



میر عبدالواحد سادات

۱۶ نومبر روز بین المللی مدارا

(۱۶) نومبر بر اساس فیصله بیست و هشتمین کنفرانس یونسکو در نومبر (۱۹۹۵ م) بحیث روز جهانی مدارا ، اعلام و اصول شش گانه ان تصویب گردید.

این اصول ملهم و منبعث از اصل کرامت انسانی بوده و متکی بر ارزشهای جهانی مندرج در منشور ملل متحد ، اعلامیه جهانی حقوق بشر ، میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی و کنوانسیونهای ناشی از آنها تدوین یافته است.

بر طبق این اصول مدارا بمثابة پیش شرط صلح و ترقی اجتماعی و بنیاد ثبات و تداوم جامعه تسجیل گردیده است.

مطابق به این اصول شش گانه تمام انسانها با وجود تمام اختلاف در رنگ ، نژاد ، دین و عقاید باید در صلح و صفا زندگی و از تحمیل دیدگاه شخصی و گروهی بر دیگران اجتناب نمایند.

مدارای مندرج در اصول شش گانه متذکره در واقع همان تساهل و تسامح فرهنگ خود ما میباشد که فرهنگ سالاران سترگ ، منادیان بزرگ این اندیشه در اعصار و قرون بوده اند ، که مسمی است و عبارت از اعتراف و اجازه دادن آگاهانه به Tolerance در غرب به تولیرانس چیزی که با ذوق ما برابر نمیباشد و از قرن قرن هفده و از درون منازعات خونین مذهبی و تفرقه دینی با نظریات جان لاک وارد اندیشه سیاسی گردیده و امروز نه تنها يك ارزش اخلاقی ، بل يك اصل حقوقی و مکلفیت شهروندان جهان محسوب میگردد.

در افغانستان با وجود سابقه معرفتی این بینش در اندیشه های کهن و از زردتشت و اصول سه گانه:

- پندار نیک
- گفتار نیک
- کردار نیک

و بعد از اسلام در مکتب های عرفانی و اندیشه های متصوفان بزرگ و از حضرت سنایی ، عطار ، مولانا ، امیر علی شیر نوایی و ... تا رحمن بابا و پیر روشن و ... سرمایه عظیم معنوی پیرامون ارزش های متعالی تسامح و تساهل در اختیار است و همچنان موقعیت خاص این سرزمین بحیث محل تلاقی تمدنها و بمتابه چهار راه ، معرف امتزاج تمدن های بزرگ بوده است و اما متأسفانه تاریخ با خون و خشونت رقم خورده و حدود نیم قرن است که:

جنگ و خشونت سرنوشت مردم را رقم میزند و افغانستان اماج ذهنیت تکفیری و مدارا ستیز و در معرض سونامی هولناک بنیادگرایی " اسلامی " قرار دارد.
و اخبار و ناقلان حکایه از آن دارد که شاید بقول حضرت مولانا:
هنوز در خم يك كوچه باشیم!!!
افزون بر اجنبی ، استعمار و استحمار و دسایس الحیل آنان هر کدام:

— دین

— نژاد

— قوم

— زبان

— منطقه

— اندیشه

— تنظیم ، حزب و گروه

خود را برتر و برحق میپنداریم و با مدارا ، تولید اناس ، همدیگر پذیری و احترام متقابل فرسخ ها فاصله داریم و شاید یکی از کمیدی های تاریخ نیز این طنز تلخ باشد که با چنین ذهنیت تب الود سکاندار " دیموکراسی " شده ایم و بی جهت نمیباشد که در مسخ و سلاخی ان شهره جهان هستیم.

در چنین احوال دهشتبار و فقدان دولت ملی مقتدر قانونگرا و عدالت گستر ، در مقابله با خشونت ، ذهنیت های تکفیری و مدارا ستیز و دشمنان تولید اناس ، تسامح و تساهل ، ضرور است تا پاسداران مدنیت و روشنگران متعهد با چنگ زدن به داشته های ارزشمند فرهنگی و در پرتو ارزشهای جهانشول ، بخاطر صلح واقعی و جلوگیری از انهدام جامعه افغانستان مدارا را پیشه سازیم و بخاطر ترویج ان کار خسته گی ناپذیر روشنگرانه را منحصیث مکلفیت انسانی انجام بدهیم و به خشونت و تکفیریان نه بگویم.
البته منحصیث حسن ختام ذکر این نکته بسیار ضرور است که:

مدارا ، تسامح ، تساهل و تولید اناس عجز و ضعف نبوده و مبین ارزش های والای انسانی و حقوقی میباشد که در جامعه کثیرالقوامی متکثر و بشدت منقطب و در حال فروپاشی اجتماعی و اقتصادی و بحران عدم اعتماد ، اکسیر اعظم پنداشته میشود.

با حرمت